



## Iran's Criminal Policy to Prevent the Victimization of Children and Adolescents in the Law on Protection of Children and Adolescents

**Seyed Morteza Mousavi  
Tabar \***

PhD student in Criminal Law and Criminology,  
Islamic Azad University, Maragheh Branch,  
Tabriz, Iran.

**Seyed Hossein Mousavi  
Tabar**

Master of Private Law, Shahed University,  
Tehran, Iran.

### Abstract

In order to carry out its duties in the Constitution of the Islamic Republic of Iran in 1388, the Judiciary drafted a bill to protect children and adolescents which was finally approved and announced in Khordad, 1399 after a lot of struggles. The new law is more important than the law passed in 1381 in improving Iran's criminal policy. Defining the terms used and identifying hazardous situations for children and adolescents in the general law and determining the age of the Minor in accordance with international documents on the rights of the child, as well as determining the substantive criminal and formal protections in its chapters are the special highlights of the Child and Adolescent Protection Act. Iran's criminal policy to prevent child and adolescent victimization is well outlined in this law, which we will examine in this article. The Law on the Protection of Children and Adolescents has been able to outline Iran's criminal policy in dealing with the victimization of children and adolescents.

**Keywords:** criminal policy, advocacy, victimization, children and adolescents

Received: 06/March/2022

Accepted: 29/June/2022

eISSN: 2783-4204

ISSN: 2783-3631

## سیاست جنایی ایران برای پیشگیری از بزه‌دیدگی اطفال و نوجوانان در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان

دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه،  
تبریز، ایران.

سید مرتضی موسوی تبار \*

کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

سید حسین موسوی تبار

### چکیده

قوه قضاییه در راستای اجرای وظایف خود در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در سال ۸۸ به تنظیم لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان اقدام نمود. بالأخره بعد از کش‌وقوس‌های فراوان، لایحه فوق تحت عنوان قانون حمایت از اطفال و نوجوانان در خرداد ۹۹، تصویب و ابلاغ گردید. قانون جدید به علت جامعیت نسبت به قانون مصوب سال ۸۱ از اهمیت بسزایی در سیاست جنایی ایران برخوردار است. بیان تعاریف اصطلاحات به کار رفته و مشخص نمودن موارد مخاطره‌آمیز برای اطفال و نوجوانان در کلیات قانون و تعیین سن شمول به‌منظور تعیین کودکی مطابق با اسناد بین‌المللی حقوق کودکان و نیز تعیین حمایت‌های ماهوی کیفری و حمایت‌های شکلی در فصول آن، از برجستگی‌های ویژه قانون حمایت از اطفال و نوجوانان به شمار می‌رود. قانون حمایت از اطفال و نوجوانان به‌خوبی توانسته است سیاست جنایی ایران را در مقابله با بزه‌دیدگی کودکان و نوجوان ترسیم نماید که در ادامه به بررسی آن خواهیم پرداخت.

کلیدواژه‌ها: سیاست جنایی، حمایت، بزه‌دیدگی، کودک و نوجوان

## مقدمه

تمامی ادیان الهی بر این باورند که بشر می‌تواند بهترین موجود نظام آفرینش باشد و پیامبران الهی آمده‌اند تا پیام حریت انسان و جایگاه ویژه او را گوشزد نموده و زمینه رشد و کمال انسان را از گذر تعالیم و آموزه‌های اخلاقی و معنوی فراهم آورند.

در قرآن کریم تصریح شده است که انسان، جانشین خداوند بر روی زمین بوده<sup>۱</sup> و در بهترین صورت و نظام خلق شده است<sup>۲</sup>، صاحب تعقل و تفکر است<sup>۳</sup> و تمام آموزه‌های الهی بر فطرت پاک او نازل شده است<sup>۴</sup>.

متأسفانه، برخلاف این جایگاه برجسته، بشر در گذر زمان و قرون متمادی، به خاطر فزون‌طلبی از روحی استکباری برخوردار گشته و نقض بسیاری از حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی را به نظاره نشسته است. در این میان، کودک به خاطر آسیب‌پذیری فوق‌العاده، همواره در مرکز میدان فساد و تباهی، در معرض خطرات و ناگواری‌های گوناگونی چون بهره‌کشی، بردگی و دیگر رفتارهای غیرانسانی بوده است.

درک نادرست بشر از کودک و دوران طفولیت و گاهی هم خیث و ناپاک دانستن آن، باعث شده بود که سخت‌ترین برخوردها با کودکان، امری عادی و مثبت تلقی شده و به دلیل همین نوع نگرش جامعه نسبت به کودکان، هرگونه اذیت، آزار و شکنجه آنان، امری مجاز تصور می‌شد (پیوندی، ۱۳۹۰: ۱۸).

به رسمیت شناختن حقوق کودک در جهان، مسیر بسیار سختی را پشت سر گذاشته است. در اواخر قرن نوزدهم به دوره‌ای از تحولات تاریخی می‌رسیم که می‌توان آن را دوران شناسایی حقوق کودک و توجه و احترام به آن نامید. از اواخر قرن سده نوزدهم به بعد، در اکثر نظام‌های حقوقی، کودکان به‌عنوان صنفی خاص، موضوع حقوق قرار گرفتند. بعد از جنگ جهانی اول که بخشی از قربانیان آن کودکان بودند، اهتمام بسیاری به‌منظور حمایت از حقوق انسان صورت گرفت که این رویکرد، به تهیه و تصویب اسناد متعددی در حمایت از حقوق انسان منجر شد. در پی شکل‌گیری این نوع نگرش و فعالیت‌های متناسب با آن، توجه جامعه جهانی به قشرهای خاصی از افراد مانند کودکان که نیاز به حمایت خاص و ویژه‌ای دارند، جلب شد (پیوندی، ۱۳۹۰: ۱۸ و ۱۹).

قوانین بسیاری از کشورها بالأخص کشورهای اسلامی که منبعث از احکام اسلامی هستند، به کودکان و حقوق آنان توجه ویژه داشته و در قوانین مختلف از قبیل قانون اساسی، قوانین مدنی و جزایی و قوانین مخصوص این گروه، به مسائل مربوطه اشاره کرده‌اند.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، با تسلط قوانین اسلامی بر مبانی حقوق، با توجه به تعالیم اسلام و اهمیت دوران خردسالی و زندگی جنینی، قانون‌گذار ایران به مسئله حقوق کودکان به‌طور خاص توجه نموده است. قانون اساسی به‌عنوان پایه و اساس حکومت اسلامی ایران، مسائلی کلی و جهت‌گیری‌های اساسی را در زمینه‌های مختلف ازجمله آموزش و پرورش رایگان و همگانی در همه سطوح، به‌ویژه برای کودکان مطرح کرده است<sup>۵</sup>. توجه ویژه به مادران باردار و کودکان بی‌سرپرست جزء اصول راهبردی قانون اساسی است<sup>۶</sup>. البته به‌صورت کلی به مسائل دیگری شامل امور کودکان و نوجوانان نیز در قانون اساسی توجه شده است (پیوندی، ۱۳۹۰: ۱۶۵).

۱. بقره، ۳۰: «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً».

۲. تین، ۴: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ».

۳. در آیات بسیاری از قرآن کریم، به مسئله عقل و تفکر بشر اشاره شده، مانند بقره: ۲۴۲؛ آل عمران: ۶۵ و ۱۸؛ انعام: ۳۲ و غیره.

۴. روم، ۳۰: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا».

۵. نک: بند ۲ اصل سوم و اصل سی‌ام قانون اساسی.

۶. بند دوم اصل بیست و یکم مقرر می‌دارد: «... حمایت مادران، به‌خصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند و حمایت از کودکان بی‌سرپرست ...».

برخی از حقوق‌دانان معتقدند: «اصول حمایت از کودک را می‌توان از طریق ضمیمه کردن آن به قانون اساسی کشور، وارد معیارهای قانونی کشور نمود. قانون اساسی یک کشور دربرگیرنده تمام اصول و قواعدی است که بر جامعه حکم‌فرماست و دستور بنیادینی بوده که شکل دولت را تعیین کرده و اصول کلی قرارداد اجتماعی یک کشور را بیان می‌کند. قانون اساسی، معیاری برای وضع قوانین عادی است. ازاین‌رو، انتقال اصول حمایت از کودک در قانون اساسی یک کشور، بستر لازم برای حمایت از کودکان را فراهم و تکالیف دولت را در این زمینه مشخص می‌نماید» (زینالی، ۱۳۸۸: ۶۱).

در ایران، علی‌رغم وجود مقرراتی پراکنده در موضوع حمایت از کودکان در قوانینی همچون قانون مجازات اسلامی، قانون مدنی، قانون حمایت از خانواده، قانون تأمین زنان و کودکان بی‌سرپرست و قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و نوجوانان ایرانی، فشارها و نیازهای اجتماعی (به‌طور کلی، شرایط اجتماعی موجود) به سمت تدوین و تصویب قانونی خاص حرکت داشته و نهایتاً در شکل قانون «حمایت از اطفال و نوجوانان»، ظهور و بروز نموده است. قانون‌گذار ما با تصویب ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی و قانون حمایت از کودکان و نوجوانان در ۲۵ آذرماه ۱۳۸۱ نشان داد که حمایت از اطفال در معرض خطر و بزه‌دیده از اهمیت بسزایی برخوردار است. بااین‌حال، مقررات مزبور فاقد جامعیت و انسجام لازم جهت حمایت از این دسته از کودکان و نوجوانان بود. با توجه به خلأ موجود، قوه قضاییه مبادرت به تنظیم لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان جهت حمایت قضایی از افراد زیر ۱۸ سال در معرض خطر و بزه‌دیده نمود که این امر از رهگذر تعریف مفهوم و احصای مصادیق وضعیت مخاطره‌آمیز، تعریف مفاهیمی همچون سوء رفتار، بی‌توجهی و سهل‌انگاری، بهره‌کشی اقتصادی، فحشا و مستهجن و هرزه‌نگاری، جرم‌انگاری ویژه و تشدید کیفرهای حمایتی، تمهید آیین دادرسی ویژه اطفال بزه‌دیده، در معرض خطر و شاهد جرم و مواردی دیگر در جهت حمایت از این دسته از کودکان و نوجوانان صورت پذیرفته است.

کودکان که پایه و اساس رشد جسمی، عقلی و اجتماعی آنان از همان سال‌های نخست زندگی آغاز می‌شود، با توجه به وضعیت خاص خود به لحاظ جسمی و روحی، نیاز به حمایت‌ها و مراقبت‌های ویژه‌ای دارند. لذا حفظ قداست و ارزش دوران کودکی بر عهده قاطبه دولتمردان، فارغ از هرگونه گرایش سیاسی است. قانون‌گذار نیز در این زمینه سهم بسزایی دارد. وظیفه قانون‌گذار در جهت بخشیدن قدرت اجرایی به بایدها و نبایدها، وضع مقرراتی با هدف حفظ حقوق افراد جامعه است. بدین‌سان، بررسی عملکرد مقنن ایرانی در حمایت کیفری از کودکان بزه‌کار و بزه‌دیده، چالش‌های فراوری نهادهای اجرایی را در عملیاتی نمودن مصوبات مجلس آشکار می‌سازد (جوانمرد، ۱۳۸۹: ۲۲۴).

درباره مهم‌ترین اسناد بین‌المللی در مورد کودکان نیز باید به پیمان‌نامه حقوق کودک مصوب مجمع عمومی ملل متحد در ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹ و لازم‌الاجراشده در ۲ سپتامبر ۱۹۹۰، اشاره کرد.

پیمان‌نامه حقوق کودک به‌صورت تفصیلی به حقوق کودکان پرداخته است. تاکنون، ۱۹۳ کشور و به عبارتی تمام اعضای ملل متحد به‌جز ایالات متحده آمریکا و سومالی، این سند را امضاء کرده‌اند. دو کشوری که ثروتمندترین و فقیرترین کشور دنیا هستند، هر یک به دلایل متفاوتی این پیمان‌نامه را امضاء نکرده‌اند. تأیید این قانون در آمریکا، نیازمند رأی اکثریت دوسوم نمایندگان مجلس سنای این کشور است. از دید قانون‌گذاران آمریکا هیچ پیمان و معاهده بین‌المللی نباید قدرت تأثیرگذاری بر قانون اساسی آمریکا را داشته باشد. در نقطه مقابل، سومالی یک کشور آفریقایی بدون دولت مرکزی قوی و گرفتار جنگ داخلی است. در کنار این دو نمونه، بسیاری از دولت‌ها به این دلیل که برخی از مواد این پیمان‌نامه را با فرهنگ، دین و اعتقادات مردم خود مغایر تشخیص داده‌اند، به‌صورت مشروط پیمان‌نامه را امضاء کرده و صریحاً بیان داشته‌اند که برخی از مواد آن را اجرا نمی‌کنند. دولت ایران، پیمان‌نامه حقوق کودک را در سال ۱۹۹۰ به‌صورت مشروط امضاء کرد. چهار سال بعد، در اسفند سال ۱۳۷۲ (۱۹۹۴)، مجلس شورای اسلامی، کنوانسیون حقوق

کودک شامل یک مقدمه و ۵۴ ماده را تصویب نمود و به شورای نگهبان فرستاد. شورای نگهبان در نظریه شماره ۵۷۶۰ مورخ ۱۳۷۲/۱۱/۴ خود، ۹ بند و تبصره کنوانسیون را مخالف با موازین شرع اعلام کرد. مجلس در بررسی مجدد، ماده واحده را به شرح زیر اصلاح کرد: «کنوانسیون حقوق کودک ... به شرح پیوست، تصویب و اجازه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به آن داده می‌شود، مشروط بر اینکه مفاد آن در هر مورد و در هر زمان که در تعارض با قوانین داخلی و موازین اسلامی باشد و یا قرار گیرد، از طرف دولت جمهوری اسلامی ایران لازم‌الرعايه نباشد». این مصوبه در شورای نگهبان، تأیید و به دولت ابلاغ شد.

لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان که ۱۳ سال پیش توسط قوه قضائیه بر اساس اصل ۱۵۶ قانون اساسی به منظور حمایت قضایی از افراد زیر ۱۸ سال در معرض خطر و بزه‌دیده تنظیم شده، بعد از رفت و آمد بسیار بین مجلس و شورای نگهبان نهایتاً در خرداد ۹۹ تحت عنوان قانون حمایت از اطفال و نوجوانان به تصویب رسید. هر یک از فصول این قانون، اقدامات منحصربه‌فردی را در راستای حمایت از اطفال و نوجوانان بر مبنای سیاست جنایی در مقابله با بزه‌دیدگی پیش‌بینی نموده که در ادامه به بررسی هر یک از آن‌ها خواهیم پرداخت.

### پیشینه پژوهش

مقالات و کتاب‌های متعددی در زمینه حقوق کودکان و نوجوانان نگارش شده که در خلال مباحث آن‌ها به بحث پیشگیری از وقوع جرائم پرداخته شده است ولی به‌طور ویژه بحث پیشگیری از وقوع بزه‌دیدگی اطفال و نوجوانان در نوشتار مستقلی مطرح نشده است؛ از آن جمله دکتر جمال بیگی در کتاب بزه‌دیدگی اطفال در حقوق ایران در خلال مباحث، اشاراتی به بحث پیشگیری نیز نموده است. علی ادیب حاجی باقری نیز امسال در پایان‌نامه خود به نام «سیاست جنایی تقنینی ایران در حمایت از اطفال و نوجوانان با توجه به قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹» به بحث سیاست جنایی پرداخته است اما بحث بزه‌دیدگی را به‌طور ویژه و مستقل مطرح ننموده است. امین اکبری نیز در سال ۱۴۰۰ در پایان‌نامه خود به نام «پیشگیری از جرائم اطفال و نوجوانان با کنترل وضعیت مخاطره‌آمیز از منظر قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹»، در خلال مباحث نکاتی را در این زمینه مطرح نموده است.

## ۱- مفاهیم

### ۱-۱- سیاست جنایی

این اصطلاح را نخستین بار «فوئرباخ»<sup>۱</sup> در کتاب «حقوق کیفری» استفاده کرد. از دیدگاه او، سیاست جنایی «مجموعه شیوه‌های سرکوب گرایانه‌ای است که دولت با استفاده از آن‌ها علیه جرم (بزه کیفری) واکنش نشان می‌دهد» (لازرز، ۱۴۰۰: ۱۱).

### ۱-۲- بزه‌دیدگی

بزه‌دیده، شخصی است که به دنبال رویداد یک جرم به آسیب بدنی، روانی، درد و رنج عاطفی، زیان مالی یا آسیب اساسی به حقوق بنیادی خود دچار شده باشد.

طبق علمی‌ترین تعریف از بزه‌دیده که توسط «مندلسون»<sup>۲</sup> در سال ۱۹۶۷ ارائه شده، بزه‌دیده شخصی است که به خاطر وضعیت فردی یا عضویت و وابستگی در یک گروه، متحمل پیامدهای دردآور و مشقت‌باری می‌شود که فاکتورهایی با ریشه‌های فیزیکی، روانی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و حتی طبیعی دارد (بیگی، ۱۳۸۸: ۴۴).

1. Feuerbach  
2. Mendelssohn

### ۱-۳- طفل و نوجوان

طبق بند الف ماده ۱ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹، طفل عبارت است از «هر فرد که به سن بلوغ شرعی نرسیده است».

بند ب ماده ۱ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹، نوجوان را این گونه تعریف کرده است: «هر فرد زیر هجده سال کامل شمسی که به سن بلوغ شرعی رسیده است».

### ۲- کلیات قانون، برترین کلیات در مقابله با بزه‌دیدی

کلیات هر قانون و لوایح و طرح‌هایی که در آینده به قانون تبدیل می‌شوند، از مهم‌ترین بخش‌های قوانین هستند. درواقع، کلیات قانون، اهداف قانون را تبیین نموده و از سوی دیگر، نکات برجسته موردنیاز در جزئیات قانون را تشریح می‌کنند. یکی از این بخش‌ها که در بسیاری از قوانین، لوایح، طرح‌ها و حتی آیین‌نامه‌ها و بخش‌نامه‌ها نیز وجود دارد، تعریف اصطلاحات به کاررفته در آن است. این اصطلاحات از آن جهت تعریف می‌گردد تا تشریح‌کننده کلمات بوده و در جزئیات به ارتباط کلمات با یکدیگر کمک کنند؛ چنان‌که در برخی از قوانین موجود کشور، عدم تعریف دقیق از برخی اصطلاحات، مشکلات متعددی را به وجود آورده است.

کلیات قانون حمایت از اطفال و نوجوانان را می‌توان یکی از جامع‌ترین کلیات در قوانین کشور دانست. این کلیات در ۳ ماده به تشریح ۳ نکته اساسی پرداخته است. ماده نخست به تعریف اصطلاحات به کاررفته پرداخته است. ماده دوم را هم به نوعی می‌توان تعریف حساب کرد. این ماده علی‌رغم تأکید بندهای الف و ب در تعریف طفل و نوجوان، با بیان اینکه «تمام افرادی که به سن هجده سال تمام شمسی نرسیده‌اند، مشمول این قانون هستند»، بر هدف قانون‌گذار در پیروی از معیار سنی مطابق با اسناد بین‌المللی تأکید داشته است. ماده سوم نیز در ۱۴ بند، موارد مخاطره‌آمیز برای کودک و نوجوان را برشمرده و بیان داشته است که کودکان و نوجوانان در مقابل این موارد مخاطره‌آمیز، بیشتر نیازمند حمایت هستند.

### ۲-۱- تعریف اصطلاحات به کاررفته

بخش نخست کلیات قانون به تعریف برخی از اصطلاحات پرداخته است. برخی از این اصطلاحات برای نخستین بار در حوزه کودکان به کار برده شده‌اند و نشان از تغییر سیاست جنایی ایران در رویه مجهول‌نویسی قوانین دارند. تاکنون قوانین تصویب‌شده، بسیار کلی‌گویی می‌نمودند و لازم بود آیین‌نامه‌هایی خاص به تشریح مفاد آن‌ها پردازند اما این قانون در سبک نگارش خود نشان از تغییری داشت که قانون‌گذار تلاش کرده است به طور کامل به تشریح موارد موردنیاز پردازد. این نکته به طور کامل در مقایسه این قانون با قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۸۱ مشهود است.

یکی از اصطلاحات به کاررفته در این قانون، سوء رفتار است که سابقه استفاده از آن پیش‌تر در حوزه حقوق خانواده و روابط بین زن و مرد مطرح بود اما استفاده از آن در حوزه کودکان برای نخستین بار در این قانون اتفاق افتاده است. بند ت ماده ۱ قانون، سوء رفتار را چنین تعریف می‌کند: «هرگونه فعل یا ترک فعل عمدی که سلامت جسمی، روانی، اخلاقی یا اجتماعی طفل و نوجوان را در معرض خطر و آسیب قرار دهد؛ از قبیل ضرب و جرح، محبوس کردن، سوءاستفاده جنسی، توهین یا تهدید نسبت به طفل یا نوجوان در صورتی که جنبه تأدیبی نداشته باشد یا قرار دادن او در شرایط سخت و غیرمتعارف و یا خودداری از کمک به وی».

کودکان و نوجوانان به دلیل شرایط و وضعیت خاص سنی و جسمی در صورت مواجهه با چنین رفتارهایی در معرض بیشترین آسیب‌ها و صدمات قرار می‌گیرند. این گونه اعمال بر اساس مقتضیات زمانی و مکانی و بنا بر نوع و میزان صدماتی که بر کودکان وارد می‌نمایند، متفاوت بوده و بر همین مبنا نیز واکنش جامعه و به تبع آن، واکنش قانون‌گذار را به دنبال دارند. این سوء رفتارها می‌تواند برخاسته از عمد و سوءنیت عامل و یا مسامحه و سهل‌انگاری او در انجام وظیفه و یا نگهداری از کودکان باشد (روشن فر، ۱۳۸۵: ۴).

پیش‌تر در کتاب‌های فقهی و حقوقی و برخی قوانین دیگر، اصطلاحات تنبیه، کودک‌آزاری و غیره استفاده شده بود که هیچ‌یک جامع و مانع نبود اما اصطلاح اخیر را که می‌توان از ابداعات خوب قانون‌نویسان این قانون دانست، اصطلاحی جامع و مانع است و تمامی آن اصطلاحات را در خود پوشش می‌دهد. هرچند اصطلاح کودک‌آزاری نیز اصطلاحی جامع است و در قانون مصوب ۸۱ و در ماده ۵ به آن اشاره شده بود اما اصطلاح سوء رفتار می‌تواند یک فرق اساسی با آن داشته باشد. به نظر نگارندگان، از اصطلاح کودک‌آزاری، بیشتر آزارهایی که نمود خارجی دارند چون ضرب و جرح، سوءاستفاده جنسی و غیره، به ذهن متبادر می‌شود اما اصطلاح سوء رفتار، علاوه بر اینکه آزارهای خارجی را پوشش می‌دهد، آزارهای روانی و روحی را نیز پوشش می‌دهد. برای مثال، قهر خارج از حد پدر و مادر با فرزند را شاید نتوان کودک‌آزاری دانست ولی می‌توان آن را یک رفتار سوء دانست.

بند ۱ ماده ۱ قانون در تعریف بهره‌کشی اقتصادی بیان می‌دارد: «به کارگیری غیرقانونی طفل و نوجوان و یا وادار کردن یا گماردن او به کار یا خدمتی که از لحاظ جسمی، روانی، اخلاقی یا اجتماعی با نظر به وضعیت طفل و نوجوان برای وی مضر یا خطرناک باشد».

اصطلاح بهره‌کشی اقتصادی نیز همچون سوء رفتار، اصطلاحی جامع بوده و همان گونه که در تعریف نیز مشخص است، حوزه وسیعی از برخوردها را با کودک شامل می‌شود.

این اصطلاح در قانون پیشین حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱ در کنار اصطلاح‌های خرید و فروش و غیره به کار رفته بود. ماده ۳ قانون سال ۸۱ چنین مقرر داشته: «هرگونه خرید، فروش، بهره‌کشی و به کارگیری کودکان به منظور ارتکاب اعمال خلاف از قبیل قاچاق، ممنوع و مرتکب حسب مورد علاوه بر جبران خسارات وارده به شش ماه تا یک سال زندان و یا جزای نقدی از ده میلیون (۱۰۰۰۰۰۰۰) تا بیست میلیون (۲۰۰۰۰۰۰۰) ریال محکوم خواهد شد». یکی از نویسندگان در نقدی که بر قانون سال ۸۱ نگاشته، بیان می‌دارد که واژه بهره‌کشی در ماده فوق مبهم است. آیا مراد به کارگیری کودکان بدون پرداخت مزد است یا اینکه استخدام کودک با پرداخت اجرت بسیار کم را نیز در بر می‌گیرد؛ به‌ویژه اگر اشتغال به کار با مزد کم با رضایت کودک بالغ و رشید یا اولیاء وی نیز صورت گرفته باشد، حکم ماده روشن نخواهد بود (ظاهری و موسوی مقدم، ۱۳۸۲: ۳۸۷).

همان گونه که مشخص شد، قانون‌گذار، نخست با تعریف اصطلاحات تلاش داشته تا ابهام را از آن‌ها بزداید. لذا، تعریف فوق در راستای برطرف کردن عیب‌های قانون قبلی برآمده است و با بیان کامل، هم انتقاد وارده فوق را پوشش داده و هم نکات دیگری را متذکر شده است.

قوانین متعددی در خصوص بهره‌کشی و کار کودک به تصویب رسیده و نیز از بحث‌های مهم مورد توجه در اسناد بین‌المللی مربوط به کودکان و نوجوان نیز به شمار می‌رود.

برای نمونه، در ماده ۳۲ کنوانسیون حقوق کودک، به کار کودک و سن و شرایط کار کودکان توجه شده و از دولت‌ها خواسته شده است که باید از استثمار اقتصادی کودک و هرگونه کاری که برایش زیان‌بار بوده و یا موجب توقف در تحصیل او شده و یا برای بهداشت جسمی، روحی، اخلاقی و اجتماعی او مضر باشد، جلوگیری نمایند و برای



تأمین این منظور، حداقل سن و حداکثر ساعات کار و سایر ضمانت اجرای آن را تصویب و به اجرا درآورند (پورقهرمانی، ۱۳۸۳: ۷۶).

در قوانین ایران، بر اساس ماده ۷۹ قانون کار، به کار گماردن افراد کمتر از ۱۵ سال تمام ممنوع است. حتی در مواد دیگری نیز در مورد کار کردن کودکان دارای سن ۱۸ سال و بالاتر نیز شرایطی را تعیین کرده است که می‌توان به توان کودک و یا نوجوان ۱۸ ساله در انجام کار فیزیکی به‌عنوان یکی از این موارد اشاره کرد. علاوه بر این، اصطلاحات دیگری چون معامله، فحشا، مبتذل، هرزه‌نگاری و غیره تعریف شده‌اند که سابقه استفاده از آن‌ها در قوانین دیگر وجود داشته و با حوزه کودکان و نوجوانان نیز مرتبط گشته است.

## ۲-۲- حدود و ثغور کودکی و تعیین سن شمول

بحث دیگر در حوزه کلیات این قانون، بحث سن شمول بوده که مطابق با اسناد بین‌المللی، سن ۱۸ سال را برای شمول مفاد این قانون تعیین نموده و طفل و نوجوان را در سن زیر ۱۸ سال تعیین نموده است.

یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین مباحث در حوزه حقوق اطفال، شناخت حدود و ثغور کودکی است. درواقع، شناختن سنی که بتوان شخص را کودک (طفل) و نوجوان خطاب کرد، به جهت آنکه دیدگاه‌های متفاوتی در فقه و قوانین و اسناد بین‌المللی مطرح شده است، باعث شده معیار دقیقی برای کودکان شناخته نشود و هر دیدگاه، کودک و نوجوان را با معیارهای خاص خود با بزرگسال تمیز دهد.

قانون حمایت از اطفال و نوجوانان به پیروی از بسیاری از اسناد بین‌المللی در ماده ۲ خود، کسانی را که سن آن‌ها به ۱۸ سال تمام شمسی نرسیده است، مشمول این قانون دانسته است.

به هر نحو باید بررسی کرد که آیا این دیدگاه در خصوص سن کودکی و نوجوانی دیدگاه صحیحی است یا خیر؟ اینکه معیار پایان دوره کودکی چیست نیز از دیدگاه‌های مختلف از قبیل قرآن و روایات ائمه، فقه اسلامی اعم از فقه شیعه و سنی، کنوانسیون حقوق کودک و از دیدگاه قانون مدنی ایران و برخی قوانین دیگر قابل بررسی است.

قرآن کریم در سوره‌های نور، ۵۹؛ نساء، ۶؛ انعام، ۱۵۲؛ یوسف، ۲۲؛ اسراء، ۲۴؛ کهف، ۸۲؛ حج، ۵؛ قصص، ۱۳؛ نمل، ۶۶ و احقاف، ۱۵ به این موضوع اشاره نموده و در مجموع، سه معیار بلوغ الحلم، بلوغ النکاح و بلوغ اشد را ذکر کرده است. با توجه به این معیارها می‌توان گفت، مسئله بلوغ در قرآن کریم با تعبیرات مختلفی آمده و سن مشخصی را به‌عنوان سن بلوغ ذکر نکرده است. همچنین، در امر بلوغ، هم به رشد جسمی و هم به رشد روحی و عقلانی توجه نموده است.

از روایات ائمه شیعه در این زمینه نیز استفاده می‌شود که اولاً، معیار بلوغ چه در مورد پسران و چه در مورد دختران بر مبنای تکوین شخصیت فرد و قبول مسئولیت در زمینه‌های مختلف است و ثانیاً، معیار اصلی برای بلوغ کودک، رشد و تکامل جسمی و جنسی و اندام‌های تناسلی است که معیار آن در پسران، احتلام و در دختران، عادت ماهانه است. ثالثاً، در روایات حد، سن بلوغ پسر از ۱۳ تا ۱۶ سال و دختر از ۹ تا ۱۳ سال است که می‌توان آن را اماره بلوغ نیز تلقی نمود (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۱: ۲۹).

در کشور ما نیز در بسیاری از موارد، سن مسئولیت کیفری با سن بلوغ جسمی مساوی گرفته می‌شود. مساوی دانستن سن بلوغ جسمی با سن مسئولیت کیفری، برداشتی است که قابل دفاع نیست زیرا چگونه می‌توان در سایر مقررات، کودکان را تا رسیدن به سن ۱۸ سالگی از رفتن به سربازی، گرفتن گذرنامه و سایر حقوق اجتماعی محروم دانست و حق استیفا را برای آنان تا حد افراد بزرگسال قائل نبود اما به‌محض ارتکاب جرم، آنان را مانند بزرگسالان به مجازات محکوم کنیم (راعی و دیگران، ۱۳۸۸: ۷۶).



با توجه به ماده ۱۴۷ قانون مجازات اسلامی جدید مصوب ۱۳۹۲ و در نظر گرفتن تبصره یک ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی، می‌توان گفت کودک قبل از بلوغ شرعی یعنی پسر قبل از رسیدن به ۱۵ سال تمام قمری و دختر قبل از رسیدن به ۹ سال تمام قمری، مسئولیت کیفری ندارد و بعد از این سن در صورت ارتکاب جرم، مسئولیت کیفری دارند. به نظر می‌رسد قانون‌گذار دو نکته را مورد توجه قرار نداده؛ اولاً اینکه بلوغ امری تکوینی است، نه تشریعی و تعبدی و ثانیاً، سن مسئولیت کیفری با سن تکلیف عبادی (بلوغ) متفاوت است و در مسئولیت کیفری علاوه بر بلوغ، رشد فکری و روانی (رشدی که بتواند مسئولیت کیفری را درک کند) نیز باید در نظر گرفته شود (پیشین: ۱۰۹).

از آنجا که حقوق موضوعه ایران در این زمینه از فقه امامیه نشئت گرفته، زمان شروع و پایان کودکی به همان نحوی که در فقه امامیه مطرح است، در قوانین ایران نیز انعکاس دارد؛ بنابراین، مبحث حاضر را اجمالاً در دو بخش مورد بحث قرار می‌دهیم:

الف) شروع کودکی: ممکن است از ظاهر ماده ۹۵۶ قانون مدنی که مقرر داشته «اهلیت برای دارا بودن حقوق، با زنده متولد شدن انسان شروع و با مرگ او تمام می‌شود»، چنین برداشت شود که در حقوق ایران، شروع کودکی با تولد تحقق می‌یابد.

با اندک تأملی واضح می‌گردد که این فرض را باید از ذهن زدود زیرا در ماده ۹۵۷ قانون مدنی آمده است که: «حمل از حقوق مدنی متمتع می‌گردد، مشروط به اینکه زنده متولد شود».

در ماده ۹۵۸ قانون مدنی آمده: «بنابراین، حمل (جنین) قبل از تولد از کلیه حقوق که هر انسان می‌تواند صاحب شود، برخوردار است لیکن نمی‌تواند حقوق خود را استیفا و اجرا نماید». این ماده، نشان‌دهنده آن است که شروع کودکی را باید در زمانی قبل از تولد مفروض دانست و مبدأ آن را از زمان انعقاد نطفه در نظر گرفت.

لذا ماده ۹۵۶ قانون مدنی در مقام اعلام شروع زمان کودکی نیست بلکه آنچه در این ماده آمده، اعلام این مطلب است که اهلیت حمل برای تمتع از حقوق مدنی معلق است و با زنده متولد شدن، قطعی می‌گردد.

همچنین، ماده ۸۷۵ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «شرایط وراثت، زنده بودن در حین فوت مورث است و اگر حاملی باشد، در صورتی ارث می‌برد که نطفه او حین الموت منعقد بوده و زنده هم متولد شود؛ اگرچه فوراً پس از تولد بمیرد». ماده ۸۵۱ قانون مدنی نیز مقرر داشته است: «وصیت برای حمل صحیح است لیکن تملک او منوط است بر اینکه زنده متولد شود». با توجه به موارد فوق ثابت می‌شود که در حقوق ایران نیز همانند فقه اسلامی، شروع دوران کودکی از زمان انعقاد نطفه است و گرنه معنی نداشت شروع آن را زمان تولد بگیریم اما برای قبل از تولد قائل به حقوقی می‌شویم که اختصاص به انسان زنده دارد.

ب) پایان دوره کودکی در قوانین ایران: قبل از آنکه ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی در سال ۶۱ دستخوش اصلاح شود، به موجب ماده مرقوم، سن بلوغ ۱۸ سالگی بود؛ بنابراین، کسانی که زیر ۱۸ سال بودند، صغیر محسوب می‌شدند و نظر به ماده ۱۲۰۷ قانون مدنی، از تصرف در اموال و حقوق مالی خود محروم بودند.

واضعین قانون مدنی، این سن را اماره رشد قرار داده بودند و رسیدن به ۱۸ سالگی دلیل بر رشید بودن فرد بود؛ مگر اینکه خلاف آن ثابت می‌شد. در اصلاحی که در سال ۱۳۶۱ از ماده ۱۲۱۰ به عمل آمد، این ماده این گونه تغییر یافت: «هیچ کس را نمی‌توان بعد از رسیدن به سن بلوغ به عنوان جنون یا عدم رشد، محجور نمود؛ مگر آنکه عدم رشد یا جنون او ثابت شده باشد».

در تبصره یک این ماده چنین آمده: «سن بلوغ در پسر ۱۵ سال و در دختر ۹ سال تمام قمری است» که این برگرفته از نظر اکثر فقهای امامیه است. برخی ادعای اجماع نموده‌اند که البته این اجماع را نمی‌توان دلیل مستقلی به حساب آورد زیرا روایات مدرک این آراء و نظریات است و اجماع، مدرکی است که هیچ گونه ارزشی ندارد.

تبصره ۲ ماده ۱۲۱۰ می‌گوید: «اموال صغیری را که بالغ شده، در صورتی می‌توان به او داد که رشد او ثابت شده باشد». چنان‌که پیداست، بین ماده و تبصره آن تعارض وجود دارد زیرا طبق ماده، سن بلوغ اماره رشد است و حال آنکه طبق تبصره ۲، رشد نیاز به اثبات دارد و صرف رسیدن به بلوغ کافی نیست.

علت تعارض این است که ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی با همان ترکیب سابق حفظ شده و تنها به جای ۱۸ سالگی تمام، سن بلوغ را قرار داده است؛ غافل از اینکه قانون مدنی، سن رشد و بلوغ را در هم آمیخته و حال آنکه در اصلاحیه سال ۶۱، سن بلوغ، غیر از سن رشد است.

به عبارت دیگر، «صغیر پس از رسیدن به سن بلوغ و اثبات رشد می‌تواند نسبت به اموالی که از طریق انتقالات عقدی یا قهری قبل از بلوغ مالک شده، مستقیماً تصرف و مداخله نماید و قبل از اثبات رشد، این نوع مداخله ممنوع است». با توجه به این مباحث این سؤال مطرح می‌شود که از نظر حقوق فعلی ایران، با توجه به ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی و تبصره‌های آن، پایان کودکی، رسیدن به سن بلوغ است یا بعد از اثبات رشد؟ آیا صرف رسیدن به ۹ سالگی در دختران و ۱۵ سالگی در پسران به معنای پایان کودکی است اگرچه هنوز رشید بودن آن‌ها اثبات نشده باشد؟

به نظر می‌رسد پایان کودکی، سن بلوغ است زیرا اولاً، صغر کودکی چنان‌که ذکر شد، در مقابل بلوغ شرعی قرار دارد و از نظر عرفی به کسی که به سن بلوغ رسیده، صغیر نمی‌گویند. ثانیاً، در تبصره یک ماده ۴۹ قانون مجازات سابق مصوب ۱۳۷۰ در تعریف طفل آمده بود: «منظور از طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد». همین مبنا در بند الف ماده ۱ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ نیز بیان شده است؛ بنابراین، ملاک را بلوغ قرار داده‌اند، نه رشد و بلوغ نیز گاهی به سن و گاهی با ظهور علائم آن بوده که در زن، حیض، حمل، احتلام، انبات و رویدن مو در شرمگاه و بزرگ شدن پستان‌ها و در مرد نیز همراه با علائمی همچون احتلام، توانایی باردار کردن، خروج اسپرم و منی، رویدن موی خشن برعانه، بم شدن صدای فرد و غیره همراه است. ظهور این نشانه‌ها با توجه به محیط طبیعی، جغرافیایی و مذهبی در سنین مختلف اتفاق می‌افتد که برای تفصیل باید به کتب پزشکی و روان‌شناسی مراجعه نمود. ثالثاً طبق نص ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی: «رسیدن به سن بلوغ به معنای خروج از محجوریت است و با توجه به اینکه طبق بند یک ماده ۱۲۰۷ قانون مدنی، صغار محجور شناخته شده‌اند از تقابل ماده ۱۲۱۰ و بند یک ماده ۱۲۰۷ قانون مدنی معلوم می‌گردد که صغیر محجور در مقابل بالغ غیر محجور است و در نتیجه، غیر از آن است». پس با توجه به موارد فوق، در حقوق ایران، پایان کودکی همان زمان بلوغ است و رشد در آن تأثیر ندارد.

در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز در ماده ۸۸ و ۱۴۷ در خصوص سن صحبت شده است. در ماده ۸۸ مواردی که دادگاه باید درباره آن اتخاذ تصمیم کند، در صورتی اطفال و نوجوانانی که مرتکب جرائم تعزیری شده و سن آن‌ها در زمان ارتکاب، نه تا پانزده سال تمام شمسی باشد، بیان می‌دارد و در ماده ۱۴۷ به صراحت بیان می‌کند: «سن بلوغ، در دختران و پسران، به ترتیب نه و پانزده سال قمری است».

بند ب ماده ۱ نیز نوجوان را هر فرد زیر هجده سال کامل شمسی که به سن بلوغ شرعی رسیده است، می‌داند.

### ۳- موارد مخاطره‌آمیز برای اطفال و نوجوانان

بحث بعدی در کلیات قانون بیان موارد مخاطره‌آمیز است که بدون شک، یکی از نقاط قوت این قانون است. در این قسمت، بی‌سرپرستی طفل و نوجوان و یا بی‌توجهی و سهل‌انگاری در انجام وظایف قانونی و شرعی نسبت به آنان از سوی هر شخصی که مکلف به آن است، ابتلای هر یک از والدین، اولیاء یا سرپرستان قانونی به بیماری یا اختلال‌های رفتاری، روانی یا شخصیتی و یا بیماری جسمی و اگیردار و صعب‌العلاج به تشخیص پزشکی قانونی، زندانی شدن هر یک از والدین، اولیاء یا سرپرستان قانونی، ابتلای هر یک از آنان به اعتیادهای زیان‌آور نظیر مواد مخدر،

روان‌گردان و قمار، قوادی و یا دایر کردن مراکز فساد و فحشا توسط هر یک از والدین، اولیاء یا سرپرستان قانونی و یا اشتها آن‌ها به فساد اخلاق و فحشا، خشونت مستمر والدین، اولیاء، سرپرستان قانونی و یا سایر اعضای خانواده نسبت به یکدیگر، عدم اقدام برای ثبت واقعه ولادت یا عدم اخذ اسناد سجلی یا هویتی برای طفل یا نوجوان بدون عذر موجه، بازماندن طفل و نوجوان از تحصیل، طرد شدن طفل و نوجوان از سوی خانواده، کم‌توانی جسمی یا ذهنی کودک و نوجوان، ابتلای وی به بیماری‌های خاص یا اختلال هویت جنسی، نقض قوانین جزائی توسط طفل یا ارتکاب جرم توسط نوجوان و یا استفاده از آن‌ها در فعالیت‌های مجرمانه، وارد شدن یا وارد کردن طفل یا نوجوان در فعالیت‌هایی نظیر تکدی‌گری و قاچاق و همچنین، اعتیاد آنان به مواد مخدر، روان‌گردان یا مشروبات الکلی، هرگونه وضعیت زیان‌بار ناشی از فقر شدید، آوارگی، پناهندگی، مهاجرت یا بی‌تابیتی، فرار مکرر از خانه یا مدرسه و ترک تحصیل از سوی طفل یا نوجوان، سوء رفتار نسبت به طفل و نوجوان و یا بهره‌کشی از او به‌عنوان موارد مخاطره‌آمیز برای اطفال و نوجوانان مطرح شده است که نشان از دقت و توجه بسیار زیاد قانون‌گذار به احصای موارد مخاطره‌آمیز دارد.

#### ۴- سیاست جنایی و حمایت ماهوی از اطفال و نوجوانان در مقابل بزه‌دیدگی

غالب حمایت‌های مقنن از طفل بزه‌دیده به‌صورت حمایت‌های کیفری در قانون مجازات اسلامی جلوه‌گر شده است. با این وجود، مقنن در خصوص مجرمی که طفلی را قربانی جرم خود قرار دهد، رویه‌های متفاوتی در نظر گرفته است. گاه کودک بزه‌دیده را موجب تخفیف مجازات و گاه از موجبات تشدید مجازات دانسته است و سرانجام در مواردی به‌منظور حمایت ویژه از اطفال، ارتکاب اعمالی را که در حق بزرگسالان جرم نیست، در حق کودکان جرم دانسته است.

در ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، مقنن از طریق سازوکار کیفیات مشدده، حمایت از اطفال بزه‌دیده را تقویت می‌کرد به‌طوری‌که اگر فرد ربوده‌شده زیر ۱۵ سال داشته باشد، مجازات تشدید می‌شد. این نوع حمایت افتراقی از طفل در برابر جرم است. با این حال، در قوانین ایران، با وضع جرائم خاص که می‌توان در قانون مجازات اسلامی نیز مشاهده کرد، از اطفال بزه‌دیده حمایت به‌ظاهر ویژه‌ای صورت گرفته است. قانون‌گذار تلاش نموده تا نظر حمایتی خاص خود از اطفال را در عنوان فصل هفدهم قانون مجازات اسلامی القاء نماید. لذا عنوان این فصل به «جرائم علیه اشخاص و اطفال» اختصاص یافته است. همچنین، ماده ۶۴۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، به حمایت افراد واجب‌النفقة اشاره داشت که عدم پرداخت آن ممکن است زمینه فساد فرزندان را نیز فراهم کند. این مورد می‌تواند مصداق حمایت از اطفال در معرض خطر در نظر گرفته شود و سرانجام ماده ۷۱۳ که در آن گماردن صغار به تکدی، جرم‌انگاری شده بود.

مقنن در یک مورد خاص نیز تحت ادبیات جرم کلاه‌برداری اما بدون توجه به ارکان تشکیل‌دهنده جرم، صرف سوءاستفاده از ضعف نفس فرد غیر رشید را که با اخذ نوشته‌های بهادار از او موجب ضرر به وی می‌شود، در ردیف کلاه‌برداری دانسته و در ماده ۵۹۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، مورد جرم‌انگاری قرار داده بود (جوانمرد، ۱۳۸۹: ۲۳۹).

همان‌گونه که مشخص است، قوانین مخصوص کودکان و نوجوانان در داخل قانون مجازات فاقد جامعیت است. لذا در رویکردهای نوین، به‌عنوان یک راهکار نسبتاً جدید، جرائم علیه کودکان در قالب یک قانون خاص آورده می‌شود. این قوانین خاص با عناوینی مانند «قانون حمایت از کودکان»، «قانون حقوق کودک» و «قانون کودکان و نوجوانان»، به دو شیوه تدوین تصویب شده‌اند: برخی از آن‌ها به‌طور اختصاصی یک قانون راجع به هر سه گروه اطفال بزه‌کار، در معرض خطر و بزه‌دیده را شامل می‌شوند. در این زمینه می‌توان به قانون حمایت از کودکان مصوب ۱۹۹۵ جمهوری

تونس اشاره کرد. در این قانون، حمایت کیفری از کودکان در برابر بزه‌دیدی در کنار حمایت از اطفال بزه‌کار و در معرض خطر پیش‌بینی شده است. قانون درمان و پیشگیری از کودک‌آزاری آمریکا (مصوب ۱۹۷۲ و اصلاحی ۱۹۹۶)، ضمن تعریف کودک‌آزاری، تدابیر کیفری و غیر کیفری مقابله با آن را پیش‌بینی نموده است (زینالی، ۱۳۸۸: ۷۶). این قانون نیز بیشتر با رویکرد حمایت کیفری از کودکان و نوجوانان در معرض خطر و بزه‌دیده تدوین شده است؛ چنان‌که بیشتر مواد آن در فصل سوم در خصوص جرائم و مجازات ساماندهی شده است. در این راستا، قانون‌نویسان انجام اعمال و افعال زیر در خصوص کودکان و نوجوانان را جرم تلقی و برای آنان مجازات تعیین نموده و به این نحو به صورت ماهوی از کودکان و نوجوانان حمایت نموده است. جلوگیری از تحصیل طفل و نوجوان، تهدید، ترغیب، تشویق یا فریب طفل و نوجوان به فرار از خانه یا مدرسه و یا ترک تحصیل و یا تسهیل یا فراهم‌سازی موجبات این اعمال، بی‌احتیاطی، بی‌مبالائی، عدم مهارت یا عدم رعایت نظامات از سوی والدین، اولیاء یا سرپرستان قانونی طفل و نوجوان یا اشخاصی که مراقبت از طفل و نوجوان را بر عهده دارند و یا در امور مربوط به اطفال و نوجوانان فعالیت می‌نمایند، عمل منافی عفت با کودک و نوجوان، ارائه موضوعات و مضامین مستهجن یا مبتذل به کودکان و نوجوانان، معامله و خرید و فروش طفل و نوجوان و یا بهره‌کشی از او، خرید و فروش، قاچاق و یا انتقال اعضاء و جوارح طفل و نوجوان، فراهم‌سازی موجبات ارتکاب به خودکشی اطفال و نوجوانان با اکراه یا اجبار یا تحریک، ترغیب، تشویق، فریب یا آموزش شیوه ازدواج با کودک و نوجوان بدون رعایت نظامات، عدم اعلام اطلاع از وقوع جرم علیه کودک و نوجوان به مراجع صالح، افشای مشخصات و هویت کودک و نوجوان بزه‌دیده یا در معرض خطر در غیر از موارد قانونی یا تصمیمات قضایی از طریق رسانه‌های گروهی و یا توزیع، تکثیر، انتشار و نمایش فیلم یا عکس و مانند آن از او، به کارگیری یا استفاده از کودک و نوجوان در ارتکاب جرم و یا تسهیل، فراهم‌سازی موجبات ارتکاب، آموزش شیوه ارتکاب جرم، تحریک، ترغیب، تشویق یا فریب دادن آنان به ارتکاب رفتار مجرمانه که منجر به وقوع جرم شود، به عنوان اعمال مجرمانه علیه کودکان و نوجوانان، معین کرده و برای آن اعمال مجازات مقرر نموده است.

## ۵- سیاست کیفری و حمایت شکلی از اطفال و نوجوان

قانون‌گذار در کنار یک کلیات غنی و نیز حمایت‌های ماهوی و کیفری از اطفال و نوجوانان، در دو فصل از قانون نیز به حمایت شکلی از اطفال و نوجوانان پرداخته است؛ در یک فصل از قانون به بیان تشکیلات اداری برای حمایت از اطفال و نوجوانان پرداخته و طی آن به تأسیس نهادی جدید تحت عنوان «دفتر حمایت از کودکان و نوجوانان» اقدام نموده است و طی موادی به ذکر وظایف آن پرداخته و طی مواد بعدی به ذکر وظایف برخی از نهادها از جمله سازمان بهزیستی، نیروی انتظامی، سازمان زندان‌ها و غیره در راستای حمایت از اطفال و نوجوانان پرداخته است. در فصل پایانی نیز در بیان یکی دیگر از شیوه‌های حمایت شکلی، به بحث تحقیق، رسیدگی و تدابیر حمایتی پرداخته است.

اصولاً طفل بزه‌دیده، انسانی است که یکی از حقوق وی توسط بزرگ‌سالان مورد تعدی و تجاوز قرار گرفته است. احقاق مجدد چنین حقی و دفاع از آن، در اغلب موارد نیاز به اقامه دعوی دارد و چون در اغلب موارد، ارتکاب جرم علیه آنان از ناحیه والدین و سایر سرپرستان قانونی آن‌ها صورت می‌گیرد، به جهت ذینفع بودن خود، از مراجعه به مراجع قضایی امتناع می‌نمایند و بدین ترتیب، عملاً در تکرار بزه‌دیدی اطفال نقش مؤثری را ایفا می‌نمایند؛ کما اینکه ترتیب اثر ندادن به اظهارهای اطفال بزه‌دیده، با این توجیه که کودک هستند و از روی احساسات صحبت می‌کنند، به این

معضل دامن می‌زند؛ بنابراین، حمایت از اطفال بزه‌دیده در مرحله دادرسی جلوه‌های مختلفی دارد که این فصل درصدد تسهیل این موارد است.

### نتیجه‌گیری

قانون حمایت از اطفال و نوجوانان به‌خوبی توانسته است سیاست جنایی ایران را در مقابله با بزه‌دیدگی کودکان و نوجوانان ترسیم نماید. قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۸۱ نیز نگاه بسیار خوبی به حمایت از اطفال و نوجوانان داشته است اما به علت کلی‌گویی، بسیاری از موارد در لابه‌لای کلمات پنهان شده و به مقصود نرسیده بود. به همین جهت، می‌توان این قانون را تفسیری بر قانون مصوب ۸۱ دانست که هم آن قانون را در خود پوشش داده و هم اهداف سایر قوانین کیفری موجود در حمایت از اطفال و نوجوانان را به مقصود رسانده است. این قانون با تعریف به‌جای اصطلاحات به‌کاررفته و تعیین دقیق سن شمول و بیان موارد مخاطره‌آمیز درصدد تبیین و تفسیر شیوه‌های پیشگیری از بزه‌دیدگی است. با این اوصاف، به نظر می‌آید در این زمینه نیز موفق شده و در سیاست جنایی ایران به‌عنوان یک قانون پیشرو در حوزه حقوق اطفال و نوجوانان قرار دارد.

### منابع

قرآن کریم.

ابن فهد حلی، احمد بن محمد. (۱۳۶۵). *المهذب البارع فی شرح المختصر المنافع*. ج ۲، قم: مؤسسه نشر الاسلامی.  
 بوریگان، ژاک. (۱۳۸۵). اطفال «بزه‌کار» و «بزه‌دیده» در حقوق فرانسه، *آموزه‌های حقوقی (الهیات و حقوق)*، (۱۱)، ۴۱-۶۰.  
 بیگی، جمال. (۱۳۸۸). *بزه‌دیدگی اطفال در حقوق ایران*. تهران: بنیاد حقوقی میزان.  
 پور قهرمانی، بابک. (۱۳۸۳). نگاهی به کنوانسیون حقوق کودک و مباحثی پیرامون آن، *رواق اندیشه*، ۴(۲۸)، ۶۷-۸۴.  
 پیوندی، غلامرضا. (۱۳۹۰). *حقوق کودک*. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.  
 جوانمرد، بهروز. (۱۳۸۹). بررسی جایگاه حمایت‌های کیفری از کودک در نظام تقنینی ایران و چالش‌های مرتبط با آن، *مجله کانون وکلای دادگستری مرکز*، ۲۰۸ و ۲۰۹، ۲۲۳-۲۶۰.  
 راعی، مسعود، عاشوری، نادعلی و مالکی خروشان، فاطمه. (۱۳۸۸). سن مسئولیت کیفری کودک و عدالت حقوقی از منظر فقه و حقوق اسلامی، *پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی (فقه و مبانی حقوق اسلامی)*، ۵(۱۵)، ۷۵-۱۱۲.  
 روشن فر، عزیز. (۱۳۸۵). *حمایت کیفری ایران در قبال سوء رفتار با کودکان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق، دانشگاه قم.

زینالی، امیرحمزه. (۱۳۸۸). جهانی شدن اصل حمایت ویژه از کودکان، *رفاه اجتماعی*، ۹(۳۵)، ۵۱-۸۷.  
 شهید ثانی، زین‌الدین بن علی. (۱۴۱۳ ق). *مسالک الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام*. ج ۶، قم: موسسه معارف اسلامی.  
 ظاهری، علی‌رضا و موسوی مقدم، محمد. (۱۳۸۲). *مجموعه دیدگاه‌های حقوقی و قضایی قضات دادگستری استان تهران و ...*. ج ۳، تهران: معاونت آموزش دادگستری استان تهران.

قاسم‌زاده، سید مرتضی و صفایی، سید حسین. (۱۳۸۵). *حقوق مدنی اشخاص و محجورین*. تهران: نشر سمت.

قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱/۹/۲۵.

قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲.

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰.

قانون مدنی.

لازر، کریستین. (۱۴۰۰). *درآمدی بر سیاست جنایی*. ترجمه نجفی ابرندآبادی، علی حسین، تهران: بنیاد حقوقی میزان.

محقق حلی، جعفر بن حسن. (۱۴۰۳ ق). *شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام*. ج ۲، قم: انتشارات اسماعیلیان.

۳۵ | موسوی تبار و موسوی تبار، سیاست جنایی ایران برای پیشگیری از بزه‌دیدگی اطفال و نوجوانان در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان  
مرعشی، سید محمدحسن. (۱۳۷۹). نظرات فقهی و حقوقی در خصوص قضاوت زن از دیدگاه اسلام (بلوغ و رشد)، د/درسی،  
۴(۲۱)، ۳-۵.  
معین، محمد. (۱۳۸۳). فرهنگ فارسی. تهران: نشر سرایش.  
موسوی بجنوردی، سید محمد. (۱۳۸۱). بررسی مفهوم و معیار کودکی در تفکر اسلامی در قوانین ایران برای بهره‌برداری از حقوق  
مربوطه، پژوهش‌نامه متین، ۲۱، ۲۷-۶۰.

**استناد به این مقاله:** موسوی تبار، سید مرتضی و موسوی تبار، سید حسین. (۱۴۰۱). سیاست جنایی ایران برای پیشگیری از بزه‌دیدگی اطفال و نوجوانان  
در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان. فصلنامه تحقیقات نوین میان‌رشته‌ای حقوق، ۲(۲)، ۲۲-۳۵.



Modern Interdisciplinary Research in Law is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.